

نیست، برابر با تقاضای پول بازار، ریال "منتشر" نمی‌کند. همین امر به آن دلیل که نظام پولی کشور از سیستم نرخ بهره شناور برخوردار نیست، سبب به وجود آمدن دودستگی در بازار و یا همان شکل‌گیری بازار غیررسمی پول می‌شود. جدای از خروج سرمایه از بانک‌ها که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، تولید و رشد اقتصادی می‌شود، شکل‌گیری بازار غیررسمی پول - و هزاران درد دیگر نظیر نرخ‌های ۵۰ درصدی و تحکیم قدرت شبکه‌های زیرزمینی - فضای زیرزمینی اقتصاد را گسترده‌تر می‌کند که متأسفانه تأثیری مضاعف بر عقب‌ماندگی اقتصاد کشور بر جای می‌گذارد. در حال حاضر، بسیاری از بنگاه‌های تولیدی کشور با بحران نقدینگی مواجه‌اند و برای رفع نیاز خود باید به این بازارها مراجعه کنند که همین امر به منزله تحکیم قدرت شبکه‌های زیرزمینی است. کار برای پایه‌گذاری یک اقتصاد سالم زیاد داریم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "زیر زمین اقتصاد ایران" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

این را در سال ۶۸ (که خصوصی‌سازی آغاز شد) اعلام نکردید تا مردم تکلیف خودشان را بلداندا

### پولشویی در زیر زمین

علاوه بر مواردی که مطرح شد، پولشویی یکی دیگر از گونه‌های اقتصاد سیاه است که اثرات نامطلوب بسیاری بر اقتصاد کشور دارد. پولشویی که بر پایه مشروع جلوه دادن پول‌های به دست آمده از فعالیت‌های غیرقانونی به وجود می‌آید، علاوه بر اثرات ناهمگون آن بر اجتماع، اقتصاد را نیز به شدت متأثر می‌سازد. قدرت یافتن گروه‌های بزهکار و خارج شدن فعالیت‌های اقتصادی هر دو بخش دولتی و خصوصی از مسیر اصلی اقتصاد از مهمترین نتایج این پدیده است. علاوه بر این، پولشویی و به طور کلی اقتصاد زیرزمینی، بخش پولی کشور را متأثر می‌سازد. افزایش تقاضای پول که معادل ریالی آن در جامعه کالا رد و بدل شده، بی‌شک با وقوع اقتصاد زیرزمینی صورت می‌پذیرد، حال آن که بانک مرکزی بر اساس برآورد خود، از آنجا که از حجم واقعی اقتصاد سایه در کشور مطلع

### جایگاه ایران در سازمان‌های جهانی

## "منافع ملی با حضور تأمین می‌شوند، نه با غیبت"



### تحلیل دکتر علی شمس‌اردکانی، عضو هیأت چشم‌انداز ماهنامه «اقتصاد ایران»، از حضور کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی

مسئله دیگری که در این بحث وجود دارد این است که وقتی یک کشور با کشورهای دیگر ارتباط ایجاد می‌کند، سازوکار متغیرهای اقتصادی آن کشور هم با فضای ماورای مرزها ارتباط پیدا می‌کند و در واقع از محیط خارجی تأثیر می‌پذیرد و حتی تأثیر می‌گذارد. برقراری چنین ارتباطی نیازمند یک سازمان‌بندی خواهد بود که لازمه این سازمان‌بندی هم تشکیل یک سازمان بین‌المللی است. در این بین همان‌طور که گفتیم باید هر کشور به دنبال حفظ منافع ملی خود باشد. به عنوان مثال ایران نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن سازوکارهای بخش نفت نسبت به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و برقراری همکاری با دیگر کشورها مبادرت ورزد.

اگر در سازمان‌های مذکور یک کشور نتواند موضع قدرت خود را تثبیت کند، ممکن است در درون سازمان تصمیماتی به ضرر آن کشور اتخاذ شود.

از سوی دیگر ما باید یک دیپلماسی قوی جهت حضور مقتدرانه و تثبیت موضع خود در سازمان‌های بین‌المللی داشته باشیم. مهمترین دیپلماسی برای ایران بحث انرژی است. لذا اگر نتوانیم این مسایل را درست برنامه‌ریزی و حل کنیم و یک سیاست فعال نداشته باشیم، در نتیجه نمی‌توانیم در صحنه بین‌المللی از منافع کشور دفاع کنیم و حتی ممکن است باعث شکست برخی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های داخلی کشور شود. باید توجه داشت که منافع ملی با حضور تأمین می‌شوند، نه با عدم حضور.

### عضویت در WTO

در این زمینه یک فرصت در اواخر دهه ۷۰ میلادی به وجود آمد که کشورهای آپک تصمیم گرفتند وارد این سازمان که در آن زمان به صورت پیمان گات بود نشوند. لذا ایران و عربستان تا سال‌های بعد از آن هم نسبت به این سیاست پایبند ماندند. اولین تحرکات جدی در این زمینه بعد از جنگ تحمیلی و با شروع به کار دولت آقای هاشمی آغاز شد. در

حضور در سازمان‌های بین‌المللی بخشی از دیپلماسی هر کشوری محسوب می‌شود. امروزه سازمان‌های زیادی به صورت بین‌المللی فعالیت دارند که برخی به صورت دولتی و برخی غیردولتی هستند. در سازمان‌های بین‌المللی دولتی، تنها دولت‌ها عضویت دارند که بزرگترین آن، سازمان ملل است. از جمله دیگر سازمان‌ها می‌توان به سازمان‌های موضوعی مانند آپک و سازمان‌های منطقه‌ای مثل اکو اشاره کرد. در برخی موارد سازمان‌های بین‌المللی به صورت ترکیبی هستند که سازمان کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان از آن جمله است. در این بین برخی سازمان‌ها وجود دارند که دولتی نیستند و در واقع به صورت خصوصی فعالیت می‌کنند. اکثر این سازمان‌ها ماهیت سیاسی ندارند و به نحو تخصصی حرکت می‌کنند. البته در دنیای امروز می‌توان گفت این سازمان‌ها هم بی‌تأثیر از سیاست نیستند. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که اساساً سازمان‌های بین‌المللی باید در خدمت منافع ملی کشورها باشند و برای دستیابی به این هدف مهم لازم است گاهی منافع ملی از سوی هر کشوری تجزیه و تعریف شود تا آن کشور بتواند در سایه سازمان‌های مذکور به منافع خود برسد. با نگاهی به روند طی شده در سال‌های گذشته می‌توان گفت سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به توسعه اقتصادی و توسعه روابط کشورهای دنیا کمک کنند، چرا که در پی تعامل کشورهای مختلف دنیا، بهره‌وری افزایش یافته و توسعه اقتصادی به همراه خواهند داشت.

موضوع دیگری که با توجه به گذشته می‌توان فهمید، تأثیر گستردگی جغرافیایی یک کشور بر میزان پیشرفت و افزایش قدرت در آن کشور است. همان‌طور که می‌دانید کشورهای بزرگ به خاطر وسعت مبادلات و تجارت در آنها قدرت زیاد به دست می‌آورند. یکی از دلایل پیشرفت چین همین گستردگی این کشور است. عضویت کشورهای مختلف در سازمان‌های همکاری بین‌المللی و اتحادیه‌ها، در واقع یک نوع یکپارچگی وسیع را برای این کشورها ایجاد می‌کند که همان نتیجه مذکور یعنی گستردگی بازارهای مبادله و تجارت را برای آنها در پی خواهد داشت. نمونه موفق چنین همکاری‌هایی را می‌توان در اتحادیه اروپا مشاهده کرد.

که ما وارد مذاکرات با این سازمان شدیم، باید چنین تعهداتی را اعمال کنیم. در این بین سازمان‌های بین‌المللی پولی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم وجود دارند که به سیاست‌های مربوط به پرداخت‌های جهانی می‌پردازند. میزان حضور موفق کشور ما در این سازمان‌ها به سیاست‌های تجاری و سیاسی کشور بستگی دارد. در سال‌های اخیر، سهم مطلق و نسبی ما در هر دو سازمان مذکور روند کاهشی داشته که رشد اقتصادی پایین‌تر نسبت به کشورهایی که با آنها در ارتباط هستیم و کاهش سهم ما در تجارت جهانی به عنوان دلایل این امر هستند.

در این میان متأسفانه ما فرصت‌های مناسب برای جذب سرمایه را از دست دادیم و علاوه بر آن سرمایه‌های ناشی از فروش منابع نفتی را هم به صورت سرمایه‌گذاری‌های مناسب در کشور در نیاروردم. در واقع ما نتوانستیم یک بشکه نفت را به یک بشکه توسعه تبدیل کنیم و این درد فردای ایران ما خواهد بود. ■

زمانی که من دبیر کل اتاق ایران بودم، کارگروهی در این زمینه تشکیل شد و اقدام به تنظیم طرحی در این خصوص کرد که خوشبختانه به تصویب دولت هم رسید. وقتی ما آماده ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) شدیم، دنیا با این اقدام ما مخالفت کرد. لذا در آن زمان مانع‌تراشی‌ها و تحریم‌های اتخاذشده از سوی آمریکا مانع ورود ما به سازمان مذکور شد. در سال‌های اخیر برخی از کشورها همچون عربستان سیاست‌های خود را تغییر دادند و در جهت عضویت در این سازمان حرکت کردند، در حالی که ما هنوز درگیر تقاضانامه هستیم. البته چنین سیاستی در کشور ما وجود دارد و تأخیر کنونی بیشتر مربوط به مسایل تحریم کشور است.

در این میان مسایلی وجود دارند همچون خصوصی‌سازی و کاهش تعرفه‌ها که در چند سال اخیر برنامه‌ریزی‌هایی در این موارد از سوی دولت صورت گرفته، ولی این اقدامات به عنوان نوعی حرکت داوطلبانه به سمت قوانین عضویت در WTO هستند و در واقع زمانی

## هدفمندی یارانه‌ها و انضباط مالی دولت

# "دولت اول از خودش شروع کند"

## نگاه دکتر فرشاد مؤمنی، اقتصاددان و رییس مؤسسه دین و اقتصاد، به نقش بی‌انضباطی‌های دولت و آینده هدفمندی یارانه‌ها



اتلاف و بی‌انضباطی مالی توانسته باشد موفقیتی کسب کرده باشد؟

### فرسنگ‌ها دور از برنامه

علاقت بسیار مهم دیگری که

وجود دارد، اهداف کمی برنامه چهارم توسعه است. در قانون برنامه چهارم توسعه ما پیش‌بینی شده بود دولت در مجموع سالانه به طور متوسط حدود ۲۰ میلیارد دلار از محل درآمدهای نفتی هزینه کند و باقی آن به حساب ذخیره ارزی واریز شود. پس از آن به قاعده سالی ۲۰ میلیارد دلار هزینه ارزی، پیش‌بینی شده که متوسط نرخ رشد محصول ناخالص داخلی ما سالانه ۸ درصد یا نرخ رشد تشکیل سرمایه ناخالص داخلی سالانه ۱۲ درصد باشد یا این که نرخ تورم و بیکاری تک‌رقمی شود. با وجود همه اما و اگرهایی که به سند گزارش‌های بانک مرکزی و دیوان محاسبات وجود دارد، حتی اگر همین عددهای تخصیص‌یافته رسماً اعلام‌شده را مبنا قرار دهیم - به عنوان مثال گزارش‌های بانک مرکزی - درمی‌یابیم که ما طی چهار سال گذشته به طور متوسط به جای سالی ۲۰ میلیارد دلار، سالی بیش از ۵۰ میلیارد دلار تخصیص داده‌ایم اما با این که تخصیص‌ها بیش از ۲/۵ برابر سقف مجاز قانونی بوده، تقریباً به هیچ‌کدام از اهداف کلیدی نرسیده‌ایم. از همه مهمتر این که گزارش‌های رسمی دولت و به خصوص بانک مرکزی نشان می‌دهد میزان تشکیل سرمایه ثابت ما بین یک‌دوم تا یک‌سوم الزام قانونی تحقق پیدا کرده است، در حالی که در قانون برنامه پیش‌بینی شده بود که ارزهای مصرفی صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شوند؛ یعنی در برخی از سال‌ها در حالی که ما نزدیک به بیش از سه برابر ارز تخصیص دادیم، آنچه صرف امور بلندمدت کشور، یعنی واردات کالاهای سرمایه‌ای شده، نزدیک به یک‌سوم چیزی است که باید اتفاق افتد و این مسأله به اندازه کافی نشان‌دهنده شدت ناهنجاری‌های موجود در نظام تخصیص منابع دولت و اولویت‌های انتخاب‌شده فراقانونی است.

اینها همه حکایت از این دارند که پتانسیل‌های بحران‌آفرینی گسترده‌ای در عرصه‌های مختلف ایجاد شده که سرمنشاء آنها همین بی‌انضباطی مالی است و تا زمانی که این عارضه بنیادی حل و فصل نشود، هیچ نوع اقدام اصلاحی در اقتصاد ایران

مسأله اصلاحات قیمتی یکی از مسایل بسیار مهمی است که در سه دهه گذشته، چالش‌های نظری فوق‌العاده‌ای را برانگیخته و دستاوردهای تجربی بسیار پرهزینه‌ای را هم به همراه داشته است، در صورتی که در حال حاضر، در مدیریت اقتصادی ایران به گونه‌ای برخورد می‌شود که گویی بحث همین امروز متولد شده و هیچ تجربه‌ای نه در سطح جهان و نه در ایران در این زمینه وجود ندارد. سال‌های اولیه دهه ۷۰ همین بحث‌هایی که امروز درباره یارانه حامل‌های انرژی مطرح می‌شود، در مورد نرخ ارز مطرح شد که به یک تورم لجام‌گسیخته و رشد نزولی تولید و نابرابری‌های درآمدی انجامید و دولت با پرداخت هزینه‌های خیلی سنگین مجبور به متوقف کردن آن سیاست شد. اما با کمال تعجب، مدیریت اقتصادی ما حتی به تجربه‌های آزموده‌شده در ایران هم توجه ندارد.

اساساً سرمنشاء این که یک دولت به سراغ درآمدهای آئی و استفاده از رویه‌های شوک‌درمانی می‌رود، ناهنجاری‌ها و بی‌انضباطی‌هایی است که در حوزه مالی برای آن اتفاق می‌افتد. اگر کسی با الفبای اقتصادی ایران آشنایی داشته باشد، می‌تواند با علامتی که حاکی از جنسی بودن رویکرد خسارت‌بار بی‌انضباطی مالی است، آشنا شود. بنابراین بحث بر سر این است که تا زمانی آن مسأله حل نشده باشد، شوک‌درمانی دقیقاً به ضد اهداف اعلام‌شده منتهی خواهد شد. اما این علامت چه می‌باشند؟ اولین علامت، حجم بسیار بالای کسری بودجه پنهان در کشور ما است. خود کسری‌های آشکاری که دولت رسماً اعلام می‌کند به اندازه کافی بزرگ هستند، اما کسری‌های پنهان، نگران‌کننده‌تر و تکان‌دهنده‌تر هستند. به عنوان مثال زمانی که دولت لایحه بودجه سال ۸۸ را به مجلس ارایه کرد، ادعا داشت کل کسری بودجه حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان است، در حالی که مرکز پژوهش‌های مجلس با یک کار کارشناسی دوهفته‌ای توانست حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان کسری پنهان در آن بودجه شناسایی کند. بنابراین حجم واقعی کسری بودجه را ۴۴ هزار میلیارد تومان اعلام کردند که این مسأله به اندازه کافی هشداردهنده است و پتانسیل‌های بحران‌آفرینی دارد.

علامت بزرگ و مهم دیگری که در این زمینه وجود دارد، گزارش‌های دیوان محاسبات است. حجم بی‌قانونی‌هایی که دولت در فرآیند تخصیص‌ها صورت می‌دهد و همین‌طور تخصیص‌هایی که در عین حال که غیرقانونی هستند، حتی برای آنها سند هزینه هم وجود ندارد، می‌تواند برای یک ناظر آگاه، گویا و برای خود دولت، هشدار دهنده باشند. آیا ما کشوری را در دنیا سراغ داریم که با رویه‌های غیرقانونی و غیرکارشناسی و همراه با اسراف و